شعلهٔ جاوید

ناشر اندیشه های دموکراتیک نوین

شماره دهم پنجشنبه ۱۶ جوزا ۱۳۴۷ – ۶ جون ۶۸

مبارزه ، شکست ، بازهم مبا رز ه ، باز هم شکست ،
بازهم مبارزه . . . . . .
وسر انجام پیروزی ، اینست منطق خلق دربر خورد
بامر تجعین .

م،ش «مودچل»

دامریکی امپر یا لیسم یا

دنړۍ یوستردا ږه مار

دامپریالیسم څخه زمونږ هغه سیستم مراد دی کوم چه غواړی د نړۍ نور ولسونه ترخپل اقتصادی کنترول لاندې راولی اونه دې لارې دغه ولسونه په‌ډیره غیر انسانی توکه استثمار کاندی نوله‌همدی‌کبله دآسیا ،افریقا او لاتین امریکی ګن ولسونه دامپریالیسم اوپه دې‌تازه وختونو کښې د نوی استعمار د مدافعینو دیرغل ګرۍ دسیاست‌تر سیوری لاندې ژوند کوی چه دغه

ژوند نده بلکه سوچه غلامې‌ده.

کله چه یوملت‌یایوزیارکش انسان اقتصادی آزادی نلری نو هیڅکله نشی کولی چه دیو آزاد سیاست او یا دآزادې‌مفکورې‌خاوند شی له کومه خایه چه دآسیا ،لاتین امریکی او افریقا اکثر مملکتونه دامپریالیسم او استعمار د فعینوتراقتصادی اسارت لاندې ژ ه ند کوی‌نودغه‌ملتونه دامپریالیسم د تجاوز ا و جنګ د

سیاست سره چه دنوی استعمار د مدافعینو په ملاتړ مخکښې څی خپله ښکاره مخالفت نشی ښرګندولی او ...سې هم شوی دی چه مرتجع ...کومتونه په ښکاره ډول دامریکی جنګی سیاست سره چه‌په تولـه نړۍ اوخصوصاً پـه ویتنام کښې چلیږی خپله‌موافقه ښرګنده کړی او

حتی‌خپل عسکرنې‌هم دامپر یا لیسم خدمت ته استولی دی. ددی لپاره چه دامریکی دامپر یالیسم دنجس قواری سره ښه آشنا شو نولازم دی چه‌د یو څـو حقا یقـو سره د اختصارپه ډول تماس ونیسو :

۱ـ سرمایه اچول:ــ له کومه‌ځایه چه امپریالیسم دامریکی دامپریالیسم په مشرۍ همیشه کوشش کوی چه

دنورو ممالکو پر اقتصادی جریاناتو باندې حاکم او مسلط شی نوسرمایه ګذاری ددغه آرمان د رسیدلو لپاره ډیره ښه‌وسیله‌ده.دامریکی‌انحصاری سرمایه (مونوپول کاپیتال) ـپه‌سلو کښې شپیته دنړۍ مشهور تولیدی منابع یا ځانته کړی اویائی تر خپل مستقیم کنترول لاندې راوستې‌دی.

لونی مزرعی ،مواصلاتی کرښی ، مخابرات ،پروژی ،بانکونه، بیمې او داکثرو هیوادوخارجی تجارت او حتی د بعضی هیوادو داخلی تـجارت د امریکی دامپریالیستی تبه‌کارانو تـر نظارت لاندې دی چه ددغې لارې‌څخه ډیره ګټه دامریکی دانحـصار ګـرو سرمایه‌دارانو جیبـتـه لوئیږی د

میوې متحده کمپنۍ چـه‌پـه‌ګرین دول،سره مشهوردی دلاتینی امریکی په‌اتو هیوادوکښې تقریباً ۵ر۲ملیونه هکتاره ځمکه په شرمی قـوا لـه ا اخیستی ده د امریکی ددی نـو ر ی کمپنۍ ددومینیکن د جمهوریت د ځمکی ¼ برخه په‌لاتین کښې لـری. امریکائی استثمارچیان په ګواتیمالا کښې تقریبـاً د ۱۸۸ر۰۰۰ هکـتاره ځمکی ¼ برخه په لاس کښی لـری نی له ۳٦ میلیونو ډالروڅخه اوړی.

امریـکائې داړمـاران د ۱۹۵۷ تر ۱۹٦۲ پوری دآسیا ،افریقا اولاتینی امریکی څخه ۱۸ر۰۰۰ میلیونه ډالره ګټه اخـیستی او په عـوض کښې استعماری فرهنګ اوکلتور،اقتصادی وران ویجاړ حالت او ار تـجاعـی حکومتونه چه ددوی په ګټه دخدمت دپاره ملاکلکه تړلی بل کوم‌شی‌ندی ور بخښلی .

نفت دنن ورځی د ژوند یوه‌داسی اساسی منبع ده چه امپر یا لیسم تری سترګی نشی غړ ولی اود هغو دسیسو او لارو په لټه کښی دی‌کوم چه وکولای شی دمنځنی ختـیځ ا و لاتینی امریکی نفتی منابع تـر خپل کنترول/لاندی راولی او لکه څنګه‌چه وینو امریکایی امپر لیستیان پخپـل

دغه‌آرزو رسیدلی هم دی او دمنځنی ختیځ‌نفت‌په‌سلو کښی ۸۰،۲ بر خه ئې ددوی په لا س کښی دی هغه آمار چه دامریکی متحده ایالا تـو خپله خپره کړی ښی چه پـه کال ۱۹٦۲ دمتحده ایالاتو دتیلو د کمپنی ګټی ۱ر۷۱٦ ملیو نو ډالرو ته رسیږ ی دتیلو هغه کمپنی چه د متحده ایالاتو

انحصاری سر مایی پوری اړه لـری اعتراف کوی چه دو ینز ویـلا ا و کویت دتیلو د کار خانی هر کار ګر بایـد پــه کـال کښی ۲۱ر۸۰۰ او ۴۰ر۰۰۰ د الره پس انداز و لـری حال دا چه دغه بد بخت کار ګران چه ټول تولید ددوی دمتو په زور کیږی

او ټول مادی نعمتو نه ددوی دتندی دخولی ثمره ده، نه کور لری نه‌لباس او نه په مړه ګیډه ډوډۍ .

دوینز ویلا اکثره خلکو په ورځ کی ۴۰ر۰۰۰ ټنه پطرول تـو لید وی تر او سه پوری دتیلو د چراغ دلګولو توان نلری، دامریکی د متحده‌ایالا تو

امپر یا لیستی کمپنی چه په وینزویلا کښی دنفتو ټول منابع په لا س‌کښی لری پـه سلو کښـی او یا نفتی «پاته په دریم‌مخ کښی»

«واصف باختری»

جهانبینی خلا ق واپور تو نیسم

چپ و راست

جهانبینی پیشرو تنها فر آوردهٔ نبوغ پر درخشش و آفر یننده گـی شگرف بنیانگذاران خـویش نیست بلکه برپایهٔ قانونمندی‌تکا مل‌تاریخی وشرایط اقتصادی واجتماعیِ معینـی پدید آمده و زمینهٔ پدید آمدن آنـرا تمام جریان تکامل‌اندیشه های علمی وفرهنگی آماده ساخته بود .

جهانبینی پیشرومجموعه‌ای ازدستور های دگر گونی نا پذیر نیست بلکه دانشی است خلاق و رشد یابنده‌که هماهنگ بازندگی پیوسته در تغییر است وبه پیش میرود .

از آنجایی که تاریخ عرصهٔ‌فرسایش کهنه وزایش نو است جهان بینـی پیشرو همواره ازنوآوریهای زمـا ن بهره می‌گیرد وبرای شناخت پدیده های تازه راه های نوین در می یابد.

روح ایـن جهانبینی دیـالکتیـک درخشان و تکاپوی درنګ ناپذیـر آنست .نادیده گرفتن پروسهٔ‌حرکت ودگرگونی وتکامل‌پدیده‌های‌اجتماعی مفهوم جدا شدن از این آموزش را دارد .

جهان بینی پیشرو از آوان پد ید آمدن خویش تا کنون خشم و کینـهٔ همه بهره کشان ، بیداد گران‌وبرده کنندگان انسان را بر انگیخته و از جهات وجوانب گوناگون‌مورد یورش دشمنان خود قرار گرفته و همواره در نبرد با گرایشهای نادرست، در نبرد با اپور تونیسم چپ و راست استواری وپایداری یافته و قوانین خویش را گسترش داده وبـرغنا و ژرفای آن افزوده است . چه بقـو ل پایه گذار بین‌الملل سوم درجامعه‌ای که بنای آن بر مبارزهٔ طبقاتی نهاده شده است هیچ علم اجتماعـی«بی غرضی» نمـی تواند وجـود داشته باشد .

جامعهٔ انسانـی وطبقـات آن در جریان تحول پیگیر و تکامل‌گسست ناپذیر است .

طبقات کهنه بسود طبقهٔ نوین راه زوال وانهدام را می پیمایند . ایـن پروسه هر روز بیش ازپیش کسانی را از طبقات‌کهن در صفوف‌رنجبران داخـل میکند و آ نـها بـا خو د اپورتو نیسم چپ وراست واندیشه های ماجرا جویانه و ساز شکارا نه را به جنبش کار گری می کشانند .

به جهانبینی پیشرو از دید گاه متافزیك نگریستن و آنرا به مثابهٔ چیز بیجـا نی تلقـی کردن ودرنظر نگرفتن آن به عنوان آموزش مبارزهٔ انقلابی اپور تونیسم چپ است و خود داری از پذیرش حقیقت عـام جهانبینی‌پیشرواپورتونیسم راست .

اپور تـونیسم چـپ و راست در تاریخ جنبش کار گری بنابر انگیزه ها و علل معین عینی وذهنی پدیدار شده است .

پایـه گـذاران جهانبینی پیشرو برای پاکیزه‌نگاه‌داشتن این‌جهانبینی پیوسته پیکار کرده اندورهنمودهای آنان بیانگراینست که اگر بر ضـد اینگونه گرایشهای نادرست مبارزه نشود پیروی از اپورتونیسم راست جنبـش کـار گری را به لجنـزار ریفورمیسم‌بورژوایی میکشاندوچیره شدن اپور تونیسم چپ جنبش یـاد شده را باشکست روبرو می‌سازد .

این دو گرایش نا درست اگر چه یکی از سوی راست‌ودیگری ازسوی چپ بر پیکر جهانبینی خلاق ضربه می زنند و مواضع آنان در نگاه اول نا همگون جلوه میکند ولی از نظر انحراف از اصول جهانبینی خـلا ق وپشت پـا زدن بـه بنیـان هـای ایدیولوژیك رنجبران باهم شبا هت عمیق دارند . یکی انباشته از جوش وخروش دروغین انقلابـی است و دیگری آگنده از ساز شکاری‌وتسلیم طلبی وزبونی .

در تمـام دوران بیـن الملل اول رهبران خرد مند جنبش کار گری بر ضد اینگونه گرایشهای زهر آگیـن به مبارزه بر خاستند و پس از آنان **پایه گذار بین الملل سوم بـه نبرد** بی امان وهمه جانبه بانـمایندگـان اپورتونیسم‌چپ‌و راست پرداخت و اپور تونیسم راست را در وجـود کارل کائوتسکی‌وبر نشتا ین‌کوبید.

در دوران ما نمایندگان اپورتونیسم راست (تجدیدنظر طلبان) ازپذیرش حقیقت عام جهانبینی پیشرو سرباز می زنند . آنان رستاخیز رنجبرا ن واستقرار دکتاتوری زحمتکشان رابه مثابه شرط و ضامـن پیروزی نظام نوین‌نفی می کنند حال آنکه‌براساس آموزش پایه‌گذاران جهانبینی‌پیشرو وادامه دهندگان راه آنان گـذار از سرمایه داری به نظام نوین جریان انقلابی واحدی‌است که در برگیرندهٔ قانونمند یهای اصولی ، مهم وکلی است که این قانونمندیها را چنیـن می توان برشمرد :

رستاخیز رنجبران ، رهبری توده های ستمکش بوسیلهٔ رنجبران کـه هستهٔ آن‌گروه پیشآهنگ طرازنوین آنانست،همبستگی‌رنجبران‌بادهقانان ودیگر ستمکشان بر انداختن‌مالکیت سرمایه داری وبر قـراری مالکـیت اجتماعی بر وسایل عمدهٔ تو لید ، بر انداختن‌ستم ملی،دفاع ازپیروزی

(درص ۲)

جهانبینی خلاق واپورتونیسم..

های رستاخیز رنجبران در برابر دشمنان درونی و بیرونی‌وهمبستگی رنجبران با رنجبران کشور های دیگر.

در دوران ما زیانمندی اپورتونیسم راست یا تجدید نظر طلبی که‌روندی است بورژوایی چندین بار بیشتر از دکما تیسم است. تجدید نظر طلبان در سخن دم از جهانبینی پیشرو می‌زنندو حتی‌به «دگماتیسم» حمله ور می‌شوند. ولی در عمل بنام «خلاقیت» وجلو گیری از(جمود اسکولاستیک) جهانبینی پیشرو را از محتوی انقلابی و پیکار جویا نه آن تهی می سازند وجوهر واساس آنرا مورد حمله قرار می دهند.

بنابر آموزش پایه گذار بین‌الملل سوم دیالکتیك تاریخ چنان است‌که پیروزی جهان بینی پیشرو. دشمنان سو گند خوردهٔ آنرا وادار می کنند که‌به‌لباس «انقلابی» درآیند و برای بر کنار ماندن ازسیلاب خرو شان رستاخیز رنجبران وجلو گیری از دگرگونی های بنیادی اپورتو نیسم راست را در جنبش کار گری رخنه دهند.

سیاز شکاران و آیین شکنان کشور ماکه اکنون درپرتو جنبشهای رنجبران و روشنفکران مترقی سیمای ننگین شان آشکار شده از چندی باینسو بر هر گونه تحرك اجتماعی بر هر گونه مبارزه برهر گونه جنبش های اصولی رنجبران وروشنفکران مترقی بر چسپ حادثه جویی ودگما تیستی میز نند واین جنبش ها را مظهری از اپورتو نیسم چپ وانمود می کنند.

ولی آیا اپورتو نیست کیست؟ آیا چه‌کسی جهان‌بینی‌خلاق‌رامجموعه‌ای از احکام جامدو دستور های‌گسسته ونا پیوسته میداند نه راهنما ی عمل.

اپورتو نیست کسی است که رستاخیز رنجبران و استقرار دکتاتوری آنانرا به مثابهٔ شرط و ضامن تحکیم این رستاخیز نفی می کند واین شیوه ها را آشوب طلبانه وماجرا جویانه میداند.

اپورتونیست کسی است‌که بنابر پندار او با گرایش به راه رشدغیر سرمایه داری و پارلمانتار یزم و اصلاحات تدریجی‌درچهارچوب‌وضع موجودمی‌توان به بنای جامعه‌ای نوین که بردرفش آن شعار «از هر کس به‌اندازه استعدادش وبه هرکس به اندازهٔ کارش» نوشته است‌پرداخت.

اپورتونیست کسی است‌که بنابر پندار او بر سرورو‌ی جهان بینی پیشرو گرد وغبار روز گاران‌نشسته وباید درآن تجدید نظر به‌عمل آید. ولی این تجدید نظر جز قلب‌ماهیت جهانبینی پیشرو و دور افگندن جوهر آن چیز دیگری نیست.

این تجدید نظر برای آنست که مترقی نقش دگر گون‌سازندهٔ ... که پایه گذار بزرگ این دبستان آرزو مند آن بود ندا شته باشد وچون جهان بینی های کهن به تماشا گری جهان بسنده کند.

دگماتیست کسی است که راه ها وشیوه های پیش شده از جانب او هر روز با شکست وناکامی تازه‌ای رو برو شود ونا درستی آن با ارائه انبوه عظیمی از مدارك‌و فاکت ها مورد ارزیابی نقادانه قرار گیرد ولی او حقایق‌را نا دیده انگاشته به‌پیش کشیدن همان شیوه های نا درست وسازشکارانه وباز گفتن همان یاوه های کهن بپردازد.

آیا این روش جز عدم توجه به جریان حرکت و تغییر وتکامل‌پدیده ها ی اجتماعی وهمبستگی متقا بل این پدیده هاوجدا شدن از جهان بینی خلاق چه مفهومی دارد؟

آیا در دوران ماکه پیکار های دلیرانهٔ رنجبران کشور های اروپای باختری و جنبش های دمو کراتیك ورهایی بخش خلقهای خاور زمین، افریقا وامریکای لاتین پا سداران جهان کهن‌را در لبهٔ پرتگاه نا بودی کشانیده سزاوار نیست کسانی را که جهان بینی پیشرو را با اینگو نه پندار های سازشکارانه وبدفر جام می‌آمیزند بقول پایه گذار بین‌الملل سوم در قفس نهاد ودر کنار کانگو روی استرالیایی به‌معرض نمایش گذارد.

مابدرستی می دانیم که زندگی، عمل وجنبش های دورانساز خلقها بنده وبردهٔ هوسها تخیلات وآرزو های کسی نیست‌سر انجام‌رزمندگان راه آرمانهای پر فروغ خلق به پیروز مندی خواهند رسید و سنگی راکه مرتجعین برای کوبیدن خلق بلند کرده اند روی پای خود شان خواهد افتاد.

حمید

- ۲ -

پافشاری روی مبارزه کلید‌پیروز یست

از لباس رنجبران سخن بز نیم! پیراهن پراز وصله وپاره پاره صحن وطنی، تنبان یا بر زو که آن هم به سر نو شت پیراهن گر فتار است کر تی یا بالا پوش ارزان قیمت وکهنهٔ امریکایی.

بوت یا چپلی را بری (اما بسیاری او قات پاها برهنه است) پار چه کهنه بنام لنگو ته وکلاه نخی.

اگر تمام کالای جان این بینوا یان را از نگاه ارزش در نظر بگیریم‌شاید قیمت مجمو عی آن به پنجاه‌تا یکصد افغانی نرسد!

بستر آنها یك لحاف کهنه ژ نده وبعضاً یك عدد بالشت کهنه اکثر آنها دوشك ندارند زیرا لحاف یا شال کهنه شان می تواند هردو وظیفه زا انجام دهد.

این بود تمام آنچه که بنام پوشاك به ایشان متعلق است. رنجبران اگر قصد غسل داشته باشند یا بخواهند لباس خودرا بشویند به کنار دریای (کابل) ودراطراف کنار جویبار وچشمه می روند وچون‌لباس عوض ندارند لذاخودرا بر هنه می سازند ولنگ می‌زنند وپس از شستن وپاك کردن تن وکالای خود (که اکثراً بدون صابون صورت میگیرد) رهسپار اطاق یاچیزی‌شبیهٔ به گورستان می شوند وبزندگی محنت‌بار همیشگی‌خودادامه می‌دهند.

رنجبران چه میخورند؟

هرچه پیش آمد خوش آمد! زیرا این تودهٔ عظیم شرافتمنداز غذائی که حاوی تمام موادوعناصر مورد احتیاج بدن است جز نام، رنگ‌وبو، چیز دیگری بدست ندارند غذای همیشه گی آنها بقرار ذیل است:

توت خشك یا تلخان، نان خشك چای تلخ یابعضاً گر وندرتاً بوره قرار حکایه خودشان بعضاً‌پسمانده غذا بصورت خیرات- پلو تولکی در مرادخانی وپل‌خشتی- شش کباب- شوربای کله- چاینکی وغیره نیز ندرتاً نصیب آنها میگردد.

کر از نظر ارزش غذائی مصرف رنجبران را محاسبه کنیم شاید در حدود ده افغانی بوده واگر کرایه‌یك شبه اطاق را نیز علاوه کنیم مجموعاً یازده تادوازده افغانی دریك شبانه روز مصرف دارند.

هرگاه بتوانند کارپیدا کنند‌مزد آنهادر مقابل رنج فراوان و طاقت فرسا در یك‌روز ازده تاچهل افغانی تجاوز نمی کند.

ازهمین مزد عرق ریزی است که باید زحمت کشان بخورند‌بپوشند وباصطلاح زندگی کنند ودرعین‌زمان ذخیره وپس‌انداز نمایند تازن و فرزندان خودرا نان بدهند وباید ازاین کوری وکبودی خود چند متر صحن کورهٔ وطنی یا چیت- کا لای کهنه آمریکائی چپلی یابوت رابری ساخت مرادخانی برای خود و فامیل خود وهم‌چنین تیل وتنباکو وغیره اشیاء بخرند. اگر قر ضدار با شند (چه حتماً هستند) یاچند درخت توت- بز - خر وغیرهٔ خودرا بگرو گذاشته باشند- درآنصورت ازخ... تمام اشیای مورد نیاز فو... نظر کرده وپول اندوخته‌را به‌معامله دار خود می دهند تاازشر دشنام و پوچ‌گوئی آنها رهائی یابند.

خوانندهٔ کنجکاو! این صرف‌تحلیل عینی ازوضع‌زندگی‌عدهٔ قلیل‌رنجبران دریك گوشهٔ شهر- یعنی رستوران خیبر بود. درحالیکه د... سرای شب باشی دیگر درهمین پایتخت کشور وجود دارد که وض... اغلب آنها ازاین هم بدتراست.

حالا مطالعهٔ سرای سرکه کاه فروشی- پخته فروشی- دروازهٔ لاهوری- چنداول وغیره بدوش توست. اگر ازنزدیکتر میخواهی به مطالعه زندگی این زنده بگور ها بپردازی- پس لطفاً وضع فامیل های هزاره وپنجشیری رادر هرمنزل و تعمیر شهرنو- کارته چار- کارته پروان وغیره نقاط به اصطلاح متمدن شهرکابل مطالعه کن وسپس را جع بوضع زندگی درولایات دور دست افغانستان تفکر نما ونتیجه گیری کن. شاید درآخرین تحلیل به این نتیجه برسی که دراین ظلمت کده کی زحمت می کشد وکی میخورد!

بگذار درخاتمه این سطور متذکر شوم که رنجبران افغانستان متحد شوید- ازمبارزه وقربانی نهراسید شما چیزی ازدست نخواهید داد.

بجز زنجیر های خودتان- مگر در عوض جهانی را بدست خواهیدآورد.

رنجبران وستمکشان! اگریك بار متحد شوید واز «چار شقه شدن نهراسید ارتجاع رااز مسند قدرت فرود خواهید آورد!»

رفقا! وقتیکه ما متحد شویم‌یقیناً باین هدف خواهیم رسید.

لهیب

باز هم نقض وحدت در پرده
فریادهای وحدت طلبی

در دوران مبارزات‌طبقات متخاصم سه نوع جنگ طبقاتی همیش توام وجود دارد که عبارتند از مبارزهٔ اقتصادی، سیاسی واید یالوژیکی که بدون درك رابطه آنهاباهم ومنفرد ساختن شان در امر مبارزات پیش رونده موفقیت بدست نمی‌آید.

از دو شکل نخست‌آن که بگذریم مسئله مبارزه ایدیالو ژیك نیز در درجه خاص اهمیت قرار دارد. آیا اختلاف اید یالوژیکی مانند اقتصاد وسیاست محصول آشتی ناپذیربودن تضاد های طبقاتی است‌یااین اختلاف میتواند مافوق طبقات قرار گیرد؟ منبع این اختلافات در کجاست؟ آیا ریشه های‌عمیق‌اجتماعی‌داردیاجریان است ما فو ق طبقات. علم مترقی بما می آموزد وتجربه تاییدمی کندکه ایدیالوژی طبقاتی «فقط‌میتواند از عمل اجتماعی سر چشمه بگیرد. یعنی این سه نوع عمل مبارزه تولیدی اجتماعی، مبارزه طبقاتی و آز مایشات‌علمی» مو جودیت عینی و اجتماعی طبقات درجامعه تعیین‌کنندهٔ ایدیالوژی آن است وهمانطوریکه اقتصاد وسیاست طبقاتی‌واز هرطبقهٔ ویژهٔ خودش‌میباشدونمی تواندمافوق طبقات باشد ایدیالوژی که بر پایه های اقتصاد وسیا ست بالخصوص استوار و موقعیت اجتماعی ویژه‌دارد نیز هرگز نمی تواند مافو ق طبقات قرار گیرد. اقتصاد وسیاستی راکه طبقات پیشرونده جهت الغای جبری اص... استثمار وبهره کشی فرد از فرد، منسوخ قرار دادن تا بعیت

در «ص ٤»

دامریکی امپر یالیسم...

محصو لات دهغه مملکت دنوکرما ب او مرتجع حکومت پواسطه شما لی امریکی ته وړی چه خپلې کمپنی پری چالانی کړی او صنعتی تو لیدات بیرته په‌خو چنده قیمت دغه هیواد باندی خرڅ کړی، چه ددغی لار نه په کال‌کښی ۰۰۰ر۲ ملیون‌ډالره دامریکی دمتحده ایالاتو خیټورو انحصا رگرانو جیب‌ته لوئیږی.

دامریکی متحده ایالات په آسیا، افریقا او لاتینه امریکه کښې دفلزاتو او قیمتی موادو لـکه یـو را نـیوم، بر یلیوم، تا نتلوم، نیو بیوم اولیتیوم معدنونه تر لاس لاندی کړی د ی. کانگو لیو پو لد ویل چه دیو رانیوم نیو بیوم، او لیتیوم ډك او غنی کانونه لری دامریکی دمتحده ایالاتو تر مستقیم نظارت لاندی دی چه د۱۹٦٤ کال دامریکی نظامی مدا خله زمونږ دادعا دلائبات د پاره یـو ښه دلیل کیدای شی. دامریکی متحد ه ایالات د نو مو ړ ی مو ا د و څخه داتومی، هید رو جنی بمو نـو ا و مصنوعی سپوږ میو په جوړ ولوکښې استفاده کـوی. دمـثال پـه ډو ل یورانیوم چه هر کال په زرگونوټنو دکانگو زیار کښې و لس پـو ا سطه لاس ته راځی ۹۰فیصده ئې دامریکی د«ای،آی،دی یاآی،سی،ای،» د مرستو په‌عوض امریکی ته وړل کیږی چه دامریکی دمتحده ایالاتو لمرنی‌اتومی بم له همدغه یو را نیوم څخه جو ړ شوی و.

۲- مار کیت او قیمتو نه:

څرنگه چه دامریکی امپر یا لیسم دآسیا، افر یقا او لاتینی امـر یکی ځینی ورو سته ساتل شوی هیوادو طبیعی منابع تر خپل څارنی لا ند ی لری نو دنومورو مملکتو اومه معدنی او زراعتی مواد دخپلی د خو ښی په بیه اخلی او په عوض کښې صنعتی تولیدات د «اومه مواد دی را کړ ه او صنعتی کالی در واخله» تر شعار لاندی په گرانه بیه خر څوی. له‌کال ۱۹۵۱ څخه تـر ۱۹٦۱ پـو ر ی امپریالیستان د زراعتی او معد نی اومه موادو بیه په سلو کښې ۲ر۳۹ ښکته کړی ده حال داچه د صنعتی تولیداتو بیه پـه سلو کښې ۳ر۳۱ جگ شوی د ی چه د همد غـه غیر عادلانه قیمتونو په اینبو دلو سره له کال ۱۹۵۱څخه تر ۱۹٦۲ پوری ۴۰۰ / ۴۱ میلیونه‌ډالره دامپریالیسم پوا سطه‌له‌وروسته پاتی‌هیوادوڅخه ایستل شوی چه ددغی گټی زیاتره برخه دامریکې دامپرا لیسم په‌برخه شوی دی اوددغه شوم استعمار په وینو ر نگ پنجو ورځ پـه‌ورځ دکـار گرا نو او زیا ر کښو خلکوپه مړی کښې ځنبیږی اوددغو و لسونو وینی لکه جوره څکی.

په‌کال ۱۹٦۲ د ا مریکی متحده ایالاتو دد غې غیر عاد لا نه تبادلې څخه ۱/۷۰۰ میلیونه ډا لـره گټه واخیسته.

چلی د مسود کانو په لرلوکښې یوستر هیواد دی‌مگر ددغه‌فلززیاتره برخه‌اوحتی په‌سلوکی ۹۰ برخه‌یی دامریکی متحده ابا لاتو ته ځی په تیرو څلوېښتوکلنو کښې‌امریکائیان پنځلس ملیونه ټنه مس د چلی څخه خپل هیواد ته یو ړل چه دفابریکې دځینو مصا رفو اود کار گروله‌معاش نه پرته څلور زره ملیو نه ډا لـره په تو گه انحصاری کمپنیو ته پا تې شو چه که چیرې دد غه پیسی‌دچیلی پر خلکو باندې ویشـل کیدای نو دسړی په سربه‌په کا ل‌کښې ۵۰۰ ډالره رسیده نو پدی حساب‌دامریکی امپر یالیسم دچیلی دهر فردڅخه ۵۰۰ ډا لره غلا کړي ده .

۳- اقتصادی مر ستی:- د غه یوه مخصو صه طریقه‌ده چه‌نـوی استعماری کنترول دسا تلو،دهیوادو په دا خلی چارو کښې دلاس و هلو اود خپلې خو ښې دحکومتو‌نودمنځ‌ته راوستلو دپاره په‌کار اچو لی دی.

دامریکی امپریالیستی نظام خپلې مر ستی تر دا سی درنو شرایطو لاندی و ر کوی چه غیر له‌محرو میت او پسمانئ بله کومه گټه‌نه رسوی. تردغو غیر عادلانه شرا ئطو لانـدی مرسته‌اخستونکی هیوادونه‌مجبوردی چه‌دمرستې شوې پیسې په مقا بل کښې صنعتی کالی، زړې جامې«کهنه فروشی» او تجملی کالی وا خلی او که دد غو مر ستو په مقابل‌کښې‌دله دله پیسکوران «دصلحې خدمتگاران» دزرا عت انجنیری اود ښوو نې او رو زنې متخصصین! (چه‌په عمو می صورت د غه گروپونه‌دسی– آی–ای «سیا» جـاسوسان دی) مـر ستی اخیستونکی هیوادو ته ننه و ځی‌چه له یوی خوا دننه په هیواد کـښې دجا سو سی شبکه تقویه کیږی‌اوله بلې‌خوا هر متخصص ئی! له یوزرنه ترپنځه زرو ډا لرو پوری‌معاش‌اخلی چه‌په دغه صورت کښې د مرستې شوې پیسې څو چنده‌بیرته‌امریکې‌ته ځی. په نتیجه کښې د مرستی اخیستونکی هیواد دصنعت‌پرمختگ غځه صدمه رسیږی اود سیا ست‌په دگر کښې هم خپله آزادی له لا سه ورکوی. دادی زمونږ دد‌-وست‌هیواد دامریکی متحده ایالا تو کمکو نه! دامریکی دمتحده ایالاتو ۳/۵۰۰ ډالره مر سته دیو گـو سلا ویی حکومت‌چه‌په‌اصطلاح‌یوسوسیالیستی دولت‌دئ غیرله دی‌نه چه دسر ما یه دا ری‌نظام «کاپیتا لیسم» دبیر ته ژوندی کیدو اود په ا صطلاح «صلح ایزه تکا مل» کښې مر سته وکړه‌بله کومه نتیجه‌یی ورنه کړه .

دهند حا کمه طبقه ددې لپاره‌چه‌خپل تجاوزکارانه سیا ست مترقی‌هیوادو پرضد عملی کاندی دامر یکی څخه ۶۰۰/ ٦ میلیو نه ډا لره مـر سته وا خیسته .

له کو می و ر ځی نه چه‌دامریکی مر ستی هند ته جاری شویدی په هغه هیواد کښې د غلې‌اوپنبې‌کرهڼه وروسته پاتې شویده او هر ه و رځ چه تیریږی‌دهند و لس لا پسې‌وږی کیږی او د غه لو ږه‌ده‌چه ددوی‌ژوند تهدیده وی زمونږ دد غی منـد عا دلائبات لپاره دا و سنی اوتیروکلونو لوږی او قحطی یـو ځرگند د لیـل د ی .

په‌اوسنی وختو کښې امپریا لیسم دو یتنام پر قهر مان و لس باندی خپل د تیری او جگړی د سیا ست داعما لو لو لپاره په میلیو نومیلیونو ډالره مصر فوی او‌د ویتنام د جنوبی برخې«پای‌دو» ځکو متو ته‌هم‌هغسی نڅا کوی چه ا مپریا لیسم ورته ساز وهی .

دتایلند حکومت چه په کال۱۹۵۰ کښې د امر یکی د مر ستو څخه بر خور دا ره شوی دی ته‌مجبورشو چه خپل دنسا جی څلور فابر یکی وتړی ځکه چه دامریکی زړی جا مې «کهنه فرو شی» دنوی اووطنی‌جامې ځای ونیو او څر نگه‌چه‌دتایلنداکثره خلك دنویو کالیو داخیستلو توان له لاسه و ر کړی نو مجبور دی چه له زړو جامو څخه استفا ده و کـړی زمونږه حاکمه‌طبقه(تا جربیروکرات‌او ملاك‌بزو کرات) چه‌دامپریالیسم‌سره دورور گلوئ ټلك قسم ئی کړی ده نو د غه بد بختی او بـد مـر غی زمونږ په نصیب همده .

دامریکی غرض آلودی مرستی لکه زهر دی چه غیرله بد بختی (بحرا ن تجزیه ، کودتا، مزا حمت اوعدا خله جگړه) نه‌بل کوم‌داسی شی چه‌دخلکو دردونه برسې‌ دواښې له ځانه سره‌نه راو ړی او کوم حکومتو نه چه‌ددغسی مرستی څخه ځان ژغو رلی دی دیر مستقل سیاست ، اقتصاد اوفرهنگ خا وندان دی .

۴- داضافی تولیداتو مصرفول :

امریکه خپله اضافی غله اودانه‌دخپلی کورنی بحرانو دمخنیوی لپاره پـه آسیایی ، افر یقایی او لاتینی‌امریکی هیوادو نو باندی خرڅوی چه دغـه معامله له یوی خوا دامریکی داخلی بحرا نونه سپکوی او له‌بلی خوا ښه ستره گټه تری اخلی .دامریکی دغه غلی دمر ستی اخیستو نکی هیوادو (چه یووخت کښې دوی خپله دغلی صا درونکی‌وو) پرزراعتی محصولاتو باندی خورا سخته اغیزه کـوی او همدا اوس ډیر هیوادونه شته چـه دغذایی موادو دلږوالی سره مخامخ شوی دی چه داخپله ددغسی غلی‌دبه اصطلاح بلا عوضه‌مر ستو مستقیمـه نتیجه ده .

دهغه هیوادونو چه دامریکی‌مرستی ته لاس‌اوږدکړی اواوږد وی ،زراعتی محصو لات په کال ۱۹٦۱ او۱۹٦۲ کښی نسبت وهغو محصو لاتو ته‌ډیر لږ شوی دي کوم چه ددوهمې عمومی جگړی (۱۹۳۴– ۱۹۳۸) څخه‌مخکښې لاس راتله په‌آسیاکښی ۳ر۸ فیصده په افریقاکښی‌۵ر۸ فیصده‌اوپه‌لاتینه امریکه کښی ۱ر۱۵ فیصده زرا عتی محصو لات لږ شویدی چه‌په نتیجه کښې دو لسونو هغه غذایی موادچه دوی پری ژوند کوی اوخپل مصرف شوی انرژی «قوت» پری بیرتـه تجدیدوی لږوالی‌راغلی دی اوهمدغه دغذایی موادو لږ والی یا نشتوالی دی چه په‌دغه‌هیوادو کښې څلویښت کلن انسان زوړ ښکاری اود ډول‌ډول ناروغیو سبب ئې گرځی .

دامریکې امپر یالیسم چه دخلکو لمړنی دښمن گڼل شویدی د خپل دمنا فعو نه سخت ملاتړ اود بشر دوستی‌په بهانه‌دسر مایی‌په‌صادرولو کښې اود ډالر دحاکمیت دټینگولو لپاره تل کوښښ کوئ مگر خلـك گوری چه د ډالر امپر اطوری‌د آسیایی افریقا یی او لاتینی امریکی دزیـار ایستونکو و لسو نو په وینو تعمیر شوی دی اوهر ډالر یې دتاریـخ جوړونکو کار گرانو په وینو بیو ر ښکاری اوله همدې کبله دمچه ددغو گټو و لسو نو دبې امانـی مبارزی طوفانونه چه د امپریـالیزم د زوال دعصر په‌اندیښنو‌مجهز دی‌دامپریالیسم اود نوی استعمار دمدا فعینو پرضد چه داستبداد ځاله اود رجعی‌طاقتونو ترشا مطمئنه جبهه‌ده لکه سیلاب مخ په ورانـدی درومی . اوس په‌ستر گو وینو چه دامپر یالیسم تغر مخ په‌ټولو دی او د نوی استعما ر د مدافعینو، اردو گاه هم‌چه دامپر یالیسم مشاطه گر ځیدلی‌مخ‌په ورانیدواو اضمحلال ښکاری .

دامپر یالیسم او نوی استعمار دمدا فعینو لمر دلویدیځ غیډیوشاته مخ‌په پریوتودی‌حال‌داچه‌دامپریالیسم دعصر دزوال دخپلی سری‌پلوشی سره دختیځ لوری‌نه‌را خیری اوجهان روښنا نه کوی . نه‌ځلیدو نکی‌داخلی او خارجی تضادونه داور شیندونکی‌آتش فشان» په شان دامریکی امپریالیسم هره ورځ تهدید وی ، د امریکـی امپریالیسم بیخی ددغه اورشیندونکی په خوله کـښې ناست دی .

پای

صاحب امتیاز و مدیر مسئول
داکتر ر حیم (محمو د ی)
آدرس حصه اول جاده میو نـد
حساب در پښتنی تجارتی بانك
(۷۲۷۴)
هر پنجشنبه نشر میشود
قیمت هر شماره در سرا سر افغانستان دوافغانی
حق‌الاشتراك

مرکز	۱۰۰ افغانی
ولایات	۱۱۰ «
خارج	۱۰ دالر

دولتی مطبعه

مظاهرات شورانگیز کارگران جنگلك ، فابریکه بوت آهو وشاگردان میخانیکی

کار گران قهرمان جنگلك ا ین‌موج پیشتاز جنبش کار گری‌بدنبال‌مظاهرات قبلی خویش باز هم دست به‌مظاهره‌زدندبدینمعنی‌که‌کارفرمایان این فابریکه در موعدی کـه بر ا ی‌پذیرش خواسته های کار گران‌آرزوکرده بودند نخواستند خواسته های‌برحق ایشان را بر آورده سازندولی کارگران پیشرو آنجا که ا یقـا ن‌داشتند این مهلت طلبی ها صر ف‌به منظور اغوای ایشان است برو زشنبه یازده جوزا به مظاهره‌پرداختند این موج خصم افگن با شا گر د ان‌مبارز مکتب میخانیکی در هم آمیخته‌بسوی سایر حوزه های کارگـری‌مارش کردند که بالنتیجه کارگرا ن فابریکه بوت آهو نیـز بـا روحیـهٔ‌رزمندگی خویش بدین‌جنبش‌پیوسته ومتحدا‌به خاطرسایرهمزنجیران‌خوددرهسپار مطبعهٔ دولتی گردیدند ا ما پاسداران منافع ارتجاع در حا لیکه‌کـارگران واقعـی آنجا را محاصره‌کرده بودند به وسیلهٔ اجیران خـودبدین دعوت اتحاد وهمبستگی جواب رد دادند در همین ناحیه مزدو ر ا ن‌نقابدار طبقهٔ حاکمه برای اینکه به‌ادعای پوچ ومیان تهی اربابان خودمبنی بر ما جرا جویی واخلال نـظم عامه جنبهٔ واقعیت دهند بـه سو ی‌پلیس سنگ اندازی کردند که د رنتیجهٔ بر خورد پلیس های مخـفی‌وآشکار چار نفر کار گر جر ا حت برداشتند ولی کار گـران جنگلـك‌بزودی ملتفت گردیده عمال ار تجاع‌را از صفوف خود بیرون راندند این تظاهرات باشعار های کـه انعکاس دهندهٔ روح رزمندگی و پیکار جویی‌کار گران بود تا سا عت پنج بعد ازظهر ادامه داشت .

کارگران قهرمان و آگاه جنگلك‌که بحق میتوان به آنها «پیشتـا زخلق زحمتکش»گفت درچندین موضع‌پر از دحام شهر سخنرانی هـا ی آتشین نموده و درضمن آن اصول‌ودستور های جابرانه راکه درچندین‌ورق درج بود واز طرف کار فرمایان‌وضع شده بود یاپاره نمودند و یـا آتش زدند .

شعلهٔ جاوید که پشتیبانی ا زهرهر گـونه جنبش توده ای را شعارخویش میداند با ثبات وپا یمـر دی‌در سنگر مبارزه از خواسته هـا ی کار گران قهرمان جنگلك ، فا بریکهٔ‌بوت آهو وشا گردان میخا نیکـی‌جا نبداری خواهد کرد .

نامهٔ رنجبران

کارکنان شعلهٔ جاوید .

ما نرس های زیر‌نتون از آنجا که جریدهٔ شعلهٔ جاوید را یگانه ممثـل اندیشه ها وانعکاس دهندهٔ آ مـا ل خویش میدا نیم اینك بدینو سیلـه خواسته های‌خویش‌رابشمامی‌فرستیم تا آنرا در شعلهٔ جاوید منعـــکس سازید .

۱ـ معاش مـا فوق العاده ناچیز است‌وخود میتوانید تصور کنید که با این معاش کم باچه دشواری هـا روبرو هستیم .

۲ـ بیمهٔ صحی وذکتور مؤ ظف نداریم شاید در تصور آمرین‌بیادگر نگنجدکه مانرس‌هابه چه بیماری‌های گوناگون مصاب هستیم واین کا ر توانفرسا که بر ما تحمیل شــده کاهندهٔ زندگی وشکنجه دهنده روح ماست در حالیکه بیماری یك نـرس متضمن اخراج فوری او از کاراست.

۳ـ ما رخصتی قانونی و غیر ه نداریم ودر صورت‌مریضی‌که بالطبع غیر حاضر میشویم‌استحقاق‌ماکولات ماقطع میشود وعلاوه بـر یك ر و ز کسر معاش مجبوریم چهل سا عت دیگر جزأ به کار شاق وطاقت‌فرسای خود ادامه دهیم .

این بود د شواری های عمدهٔ مـا که یقین داریم فقط از طریق مبار زهٔ پیگیر ما وسایررنجبران رفع‌میشود.

• • •

خبر نگار ماازولایت قندهارگزارش می‌دهد که‌بروز نهم جوزا کار گران فابریکهٔ پشمینه بافی برای تقلیـل ساعات کار وافزایش معاش د ست به مظاهره زده‌بودند. ولی مقا ما ت حاکـمه درولایت قـندهار باگسیل داشتن پولیس وژاندارم مظا هـر ه کنندگان را متفرق ساختند .

شعلهٔ جاوید: رنجبرا ن تنها بـا همبستگی وتحـکیم اتحاد خـویش می‌توانند راه دشوار گذار مبارزه را کامیابانه بسر برسانند ودشمنا ن طبقاتی خویش رادر هم شکنند .

به ادارهٔ محترم شعله جاوید

پیوند تظاهرات ضداستعمار فـرهنگی در ولایات کشور

متعلمین آگاه لیسهٔ جبل السراج که سا لها سبت ما نند دیگر مکاتب درتحت نظام‌فرتوت استعمار فرهنگی بسر میبرند زنجیر های پوسیدهٔ‌این نظام منحط رادرهم‌پاشیده وازساعت (۸) صبح روز شنبه ۱۱ جوزا در صحن مکتب دست بمظا هره زدند .

ارتجاع وعمال آن که سا لهاست اوحربهٔ‌زنگ زدهٔ«جدائی روشنفکران از توده هـا» برای فـریب و ایجاد تفرقه بین طلاب و شـا گـر دا ن استفا ده نموده است دیگر ما هیت خـودرا از دست داده ونزد تـوده ها افشا شد .

در جبل السراج نیز معاون مکتب که چهارسال ازین سیاست شوم و تفرقه افکنانه استفا ده نموده وبین شا گردان نفاق اندا خته بود منجر به شکست شده و شاگردان آگـاه وپیشرو باذ کر حقایق وارائهٔ دلائل در بارهٔ جنایات و بیداد گر یهای این اهر یمن افعی صفت (معاون مکتب) به توده های مردم ثابت ساخته اند عمل آنها متر قیست واز توده های خوا ستار شدند که تا با ایشان درین مظاهره اشتراك نمایند وبا فر زندان شان در یك صف قرار گیرند .

ازاینکـه او ضاع خلاف منافـع طبقهٔ حا کمه بود والی پـروان در اجتماع آنها حاضر شده و بعرا یض شان گوش داده وباز هم شاگردان فریب طبقات حـاکمه را نخور ده ازینکه‌گفته‌اند «پافشاری روی‌مبارزه کلید پیروزیست» قاطعانه استواری نشان دادند که در نتیجه همان روز قرار هدایت والی منطقه معاون مکتب از آنجا تبدیل و بعوض آن سر معلم لیسه مقرر گردید .

شا گردان در حـوا لی سا عت (۱۲) ظهر در حا لیکه شعار میدادند «زنده بادرو شنفکران مترقی» «مرگ بر ار تجاع مرده باد قاتل میر بچه چبراسی نا بود فر هنگ استعماری و ملا کی» خا تمه یافت .

بر اساس گزارش خبرنگار ماازیك هفته به اینسو محصلین پوهنځی تعلیم وتربیه به عنوان اعتراض علیه فرهنگ ملاکی ونیمه استعماری،علیه بر نامه های زهر آگین وزیان آور آموزشی، علیه به اصطلاح استادان‌و کار شناسان امور آموزشی وپرورش امـریکایی که‌از هیچگونه کـوشش برای تخدیر افکار محصلین و جلـو گیری ازرشد استعداد آنان دریـغ نمی ورزند دست به اعتصاب‌زده‌اند. ولـی مقـامات مسئول تاکنون بـه مطالبات مـنطقی شاگـردان جوا ب قناعت بخشی نداده اند .

شعلهٔ جاوید: جنبش‌های‌محصلان رابدیدهٔ بزرگداشت می‌نگرد وپیکار دلیرانهٔ آنان‌را برای ازپا در افکندن فر هنگ پوسیدهٔ کهن وپایه گذاری فر هنگ نوین می ستاید .

• • •

خبرنگار ما گذارش میدهد که‌چند روز پیش ا ز ایـن متعلمین مـکتب ریزه کوهستان دست بـه مظاهره زدند و کـار گران فابریکـهٔ گلبهار نیز باآنها پیوستند .

انگیزهٔ این مظـاهره کشیدن راه مستراح ها ی فابریـکه بدریا بوده است .

شعلهٔ جاوید : این روش نامعقول راکه بازی باصحت مردم‌است‌شدیدأ نکوهش می کند .

بازهم نقض وحدت در پردهٔ فریادهای ...

اکثریت عظیم‌خلق از اقلیت ناچیز و مفتخوار اعمال میدارند باطریقه ایکه مر تجعین در پیش می گیرند از بیخ وبن متفاوت‌ومتضاداست که‌همینطور هم باید باشد. اقتصاد وسیاستی‌را که طبقات‌بین‌البینی‌وخرده بورژوازی جهت حفظ موقف ومنافع خود برای آشتی دادن استثمار شونـدگا ن و استثمارکنندگان‌پیش میکنندنمیشود مترقی وپیشرونده محسوب شود، و نیز ایدیالوژی راکه عناصر پیشرو برای نیل به هدف خد مت به توده های شان ازقیداستثمار پخش‌میکنند با اید یالوژی که مر تجعین وخورده مالکین برای پایداری سیستم فرتوت خود به جا معه عرضه میدارند کا ملا متضاد ومخالف است .

اختلاف اید یالوژیکی پی وبنیادو اساس محکم در اجتمـاع داشتـه و نیست که بشود مانند پیراهن وزیر جا مه آنرا هفته دوبار عـوض کـرد. یگانه راه رفع آن از بین بردن‌ریشه عمیق آن در جا معه یا محو طبـقات متخاصم در شرایطدوزویا اینکه برای رسیدن به وحدت‌عقیده دربین جریان های مترقی واقعی وکسانیکه خود را متر قی جلوه مید هند صرف نظر از اختلافات ویا آشتی دادن آنها با هم نیست . بلکه بهتر است‌اخـتلافات راتشدید وهریك از نظرات را بامحك عمل واصول سنجید تا حقانیت یکی از آنها اثبات شود .

مر تجعین‌وطنی ماکه می گویند : «جامعه افغانستان امکان آنرا داردکه حرکت خـود زا در استقـر ار یك حکومت دیمو کراسی‌ملی در راه‌رشد غیـر سر مایه داری تحت ر هبـری هریك از طبقات دمو کراتیك ومترقی شروع کند» وبشیوه مسالمت آ میز وبدست آوردن اکثریت پاز لمانی و تقویه سکتور دو لتی وتدارك جـبهه دمو کراتیك ملی این مرام رابرآورده سازد . وطوریکه تاحال ادعاهای‌آنها با اصول رد شده وباز گویی آن در اینجاتکرارمکرراتاست سازشکارانی بیش نیستد که می‌خواهند منافع‌خلق ودشمنان خلق را، دشمنان طبقاتی که باهم آشتی ناپذیر نـد آشتی بد هند. این‌اتهام نیست بلکه‌هرکس که اندکی دیدوسیع داشته وازاصول بوئی برده باشد صحت گفـتار مارا تایید میکند وسـازشکـاران نیز در واپسین تحلیل وتعمق نمی تو انند مرتجع‌نباشند.حال‌چطور باعناصریکه جز زوال ونابودی نهضت آزادیبخش خلق و مردم آرمانی ندارنـد

«باقیدارد»